

هند بعد از بحران جهانی

قوی اما شکننده

بحران جهانی، خطرات فراوانی را برای اقتصاد هند به وجود آورد که بیشتر آنها از در هم تنیدگی اقتصاد این کشور با قدرت‌های بزرگ ناشی می‌شوند.

جهانی به دلیل افت میزان صادرات و رشد واردات اتفاق افتاده است. تراز حساب جاری هند نیز پس از بحران جهانی دستخوش تغییرات شده؛ به طوری که نسبت تراز حساب جاری این کشور از ۱/۵ درصد GDP به ۲/۶ درصد رسیده است (چون ارقام حساب جاری و تراز پرداخت‌ها منفی هستند، افزایش سهم آنان از محصول ناخالص داخلی به معنای افت



پیش‌بینی‌ها می‌گویند در سال‌های آتی، کشورهای نو ظهور شرق و جنوب شرق آسیا از جمله هند به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات در این مناطق با پیامدهای خطرناکی در عرصه رقابت در گستره جهانی روبه‌رو خواهند شد. این امر قطعاً بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی آنان اثر گذار خواهد بود. به عنوان مثال، اثرات احتمالی منفی این وقایع بر بخش مالی که از

تداوم سیاست‌های انبساطی مالی و پولی گسترده در اقتصاد پیشرفته این کشورها ناشی می‌شود قابل کتمان نیستند. هند نمی‌تواند از توسعه ناهماهنگ بازارهای مالی بین‌المللی که در حال حاضر از بحرانی بزرگ نجات یافته‌اند در امان باشد.

متغیرهای مذکور است. در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ کسری حساب جاری هند رقم ۱۷ میلیارد و ۳۰۴ میلیون دلار بود که با بروز بحران و اثرات آن به ۲۹ میلیارد و ۸۱۷ میلیون دلار افزایش یافت. این بیشترین کسری حساب جاری برای این کشور از سال ۱۹۹۰ تاکنون محسوب می‌شود. مازاد حساب سرمایه هم در این بین تغییر کرده است. خالص حساب سرمایه در هند از رقم ۱۰۹ میلیارد و ۱۹۸ میلیون دلار (۹/۳ درصد GDP) به ۹ میلیارد و ۳۳۷ میلیون دلار (۰/۹ درصد GDP) رسیده است. این یعنی کاهش ۸/۴ واحد درصدی که از سال ۱۹۸۰ در اقتصاد هند سابقه نداشته است. با نگاهی به اجزای تراز حساب سرمایه می‌بینیم که سرمایه‌های مستقیم خارجی افزایش یافته‌اند، اما در عوض کاهش گسترده‌ای در سایر متغیرهای آن رخ داده که می‌توان به کاهش ۴۳ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلاری دارایی‌های سرمایه‌ای اشاره کرد (۱۳۷/۵ درصد کاهش).

علاوه بر آن، اعتبار تجاری کوتاه مدت هند که تا پیش از بروز بحران جهانی رقمی در حدود ۱۷ میلیارد و

۱۸۳ میلیارد دلار بوده، بعد از بحران ۲۰۰۸ به منفی ۵ میلیارد و ۷۹۵ میلیون دلار رسیده است (۱۳۳/۷ درصد کاهش). برخی دارایی‌های سرمایه‌ای بانکی این کشور هم کاهش قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده‌اند، به طوری که میزان این دارایی‌ها از رقم ۱۱ میلیارد و ۵۷۸ میلیون دلار به

پیش از بحران جهانی رقمی در حدود ۱۷ میلیارد و ۱۸۳ میلیارد دلار بوده، بعد از بحران ۲۰۰۸ به منفی ۵ میلیارد و ۷۹۵ میلیون دلار رسیده است (۱۳۳/۷ درصد کاهش). برخی دارایی‌های سرمایه‌ای بانکی این کشور هم کاهش قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده‌اند، به طوری که میزان این دارایی‌ها از رقم ۱۱ میلیارد و ۵۷۸ میلیون دلار به



تراز پرداخت‌های هند در سال منتهی به ۲۰۰۸ میلادی ۷/۸ درصد محصول ناخالص داخلی را در اختیار داشته است (منفی ۹۱ میلیارد و ۶۲۶ میلیون دلار). این رقم در سال ۲۰۰۹ معادل ۱۰/۴ درصد GDP گزارش شده و به رقم منفی ۱۱۹ میلیارد و ۴۰۳ میلیون دلار رسیده است. این تأثیر بحران

از آنها بهره برداری مناسبی صورت نگرفته بود. این حقیقت، چین را به عنوان ابرقدرتی ثروتمند، آرام آرام وارد بازی اقتصادی در آسیا و سپس جهان کرد. این امر باعث شده که امروز چین در رتبه سومین کشور بزرگ دنیا با محصول ناخالص داخلی حدود ۴/۹ تریلیون دلار قرار بگیرد، اما هند در همین شاخص، با رقمی ۱/۲ تریلیون دلاری جایگاه یازدهم را در اختیار داشته باشد. عوامل متعددی را می‌توان نام برد که بر مبنای آنها باید گفت چین بازی را برده است. به عنوان مثال، هر دو کشور هند و چین، کشورهای کشاورزی محور به شمار می‌روند. با این حال، هنوز کشاورزان هندی از روش‌های سنتی تولید بهره می‌برند، در حالی که کل کشاورزی چین بر پایه نوآوری‌های تکنولوژیکی رقم می‌خورد. همین موضوع باعث شده است بهره‌وری در بخش کشاورزی هندوستان از منظر میزان و کیفیت تولید بسیار پایین‌تر از چین باشد. وجه تمایز دیگری را که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد، سیاست‌های آزاد سازی اقتصادی این کشور در مقایسه با هند است. ده سال پس از آن که چین برنامه‌های آزاد سازی اقتصادی را آغاز کرد، دولت‌مردان هندی از خواب بیدار شدند. تا آن زمان چین توانسته بود حجم قابل توجهی از بخش دولتی را به بخش خصوصی خود واگذار نماید و در میان سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی جایگاه مهمی کسب نماید.

موضوع دیگر آن است که هند در مقایسه با چین زیرساخت قابل توجهی ندارد که بتواند به آن ببالد. نقطه قوت اصلی اقتصاد هند را باید در نیروی انسانی آن جست‌وجو کرد که از این حیث، چین هم صاحب امتیاز محسوب می‌شود و چه بسا امتیاز بیشتری هم داشته باشد، چرا که نیروی انسانی چین از حیث شاخصه‌های انسانی از هندی‌ها توسعه یافته‌تر است. نگاه کنید به درآمد سرانه ۶ هزار و ۲۰۰ دلاری چینی‌ها در مقایسه با رقم هزار و ۲۰۰ دلاری هندی‌ها! ببینید چگونه از ابعادی همچون سلامت، بهداشت، امنیت اجتماعی، امکانات توسعه فردی و موارد مشابه، چین پیشرفته‌تر از هند است. همه معترفیم که این عوامل به شدت بر اقتصاد تأثیر گذارند و نمی‌توان تأثیرات آنان را بر رشد و توسعه نادیده انگاشت. البته باید به این نکته دقت کرد که مراد از این مقایسه، ضعف هندوستان نیست و اساساً قدرت آتی هند به عنوان یک کشور توسعه یافته و پیشرفته موضوعی انکارناپذیر است، بلکه مقصود، توان پایین رقابت هند در مقابل چین است. هند سیگنال‌های نوید بخش فراوانی را به جامعه جهانی داده و سرشت جهنده‌ای که اقتصاد این کشور در خلال این سال‌ها از خود به نمایش نهاده، این کشور را به کانون توجهات جهانی تبدیل کرده است. ■

منفی ۷ میلیارد و ۶۸۷ میلیون دلار رسیده است (۱۶۶/۴ درصد کاهش). در جریان بحران جهانی، اقتصاد هند دریافت که در زمینه برخی مسایل همچون قیمت‌های بازار سهام، نرخ‌های ارز و سطوح تورم در یک دوره کوتاه مدت، نیازمند تعریف یک سیاست جایگزین است.

تا پیش از بحران جهانی، جریان ورود سرمایه به داخل این کشور با رشدی سریع همراه بود، به طوری که این مقدار از ۳/۱ درصد GDP در سال ۲۰۰۵ به حدود ۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۸ رسیده بود. نتیجه این امر، افزایش قابل توجه ذخایر خارجی از رقم ۱۵۱/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ به ۳۰۹/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ بود که به رشد پولی این کشور انجامید و باعث تقویت نقدینگی شد و از این کانال، نرخ تورم تولید کننده در این کشور که تا اکتبر ۲۰۰۳ رقم ۳/۱ درصد بود به ۱۲/۸ درصد در اوت ۲۰۰۸ رسید. نرخ ارز هم در هند تغییرات قابل بحثی را تجربه کرد. نوسانات شدید عرضه ارزهای خارجی در بازار داخلی هند منجر به افزایش ارزش روپیه گردید، به طوری که ارزش دلار آمریکا که در اوت ۲۰۰۶ حدود ۴۶/۵۴ روپیه بود به ۳۹/۳۷ روپیه

در ژانویه ۲۰۰۸ افت کرد. این امر برای اقتصاد هند بسیار خطرناک بود و می‌توانست به شدت تجارت این کشور را دستخوش تهدید کند. البته نمی‌توان بخش قابل توجهی از تغییرات نرخ تبدیل روپیه-دلار را در این دوره که در راستای تغییرات گسترده‌ای بود که دلار در برابر بسیاری از ارزهای دنیا با آن مواجه شد، نادیده گرفت. ارزش روپیه پس از اکتبر ۲۰۰۸ و به دنبال برخی توافقات مرتبط با بازیابی اقتصادی تثبیت شد. البته از آن تاریخ به بعد ارزش روپیه در برابر دلار روند پرنوسانی را تا به امروز تجربه کرده، به طوری که هر دلار آمریکا که در مارس ۲۰۰۸ ارزشی معادل ۴۰/۳۶ روپیه داشت، با ۲۷ درصد افزایش در مارس ۲۰۰۹ به ۵۱/۳۳ روپیه رسید. تغییرات جهانی نرخ‌های ارز اما دست از سر روپیه و نوسانات آن برنمی‌داشتند. از مارس ۲۰۰۹ تا اواخر این سال، یک بار دیگر روپیه هند در برابر دلار تقویت شد و به طور متوسط، ارزش روپیه در برابر دلار ماهانه ۹/۹ درصد افزایش یافت که بیشتر باید علت آن را در ضعف ممتد ارزش دلار در بازارهای جهانی جست‌وجو کرد. ■

خوبی با یکدیگر هستند. با این حال، یکی از مسائلی که می‌تواند بر این روابط سایه افکند، اختلافات سیاسی و اتحاد هند با ایالات متحده آمریکا است که در شرایط کنونی و به دنبال تهدیدات آمریکا بر سر مسأله هسته‌ای کشورمان می‌تواند روابط اقتصادی و سیاسی ایران و هند را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. این نوع مشکلات را اخیراً بر سر موضوع انتقال خط لوله گاز و رأی هندوستان علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شاهد بوده‌ایم.

با نگاهی عمیق‌تر می‌بینیم که آغاز روابط رو به بهبود ایالات متحده آمریکا در زمان جرج بوش، مصادف بود با اوج گیری پافشاری کشورمان بر سر موضوع هسته‌ای و تلاشی دوباره برای اعمال تحریم‌های گسترده‌تر بین‌المللی که این تحریم‌ها



ایران-هند-آمریکا

جاذبه و دافعه سیاسی

طرف دیگر رابطه ایران و هند، آمریکا است؛ کشوری که بیشترین اقدام را در زمینه تحریم طرف‌های تجاری ایران اعمال کرده است.

روابط تجاری ایران و هند به واسطه نیاز هندوستان به منابع انرژی تولیدی کشورمان همواره روی نفت شناور بوده است. در سال ۲۰۰۹ این کشور در حدود ۲۲ میلیون تن نفت خام به ارزش حدود ۱۰ میلیارد دلار از ایران وارد کرده و با این رقم، سومین کشور بزرگ وارد کننده نفت از کشورمان محسوب می‌شود. تجارت مشترک دو کشور هم در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ رقمی در حدود ۱۳/۴ میلیارد دلار بوده که شامل ۱/۹ میلیارد دلار صادرات هند به ایران و ۱۱/۵ میلیارد دلار واردات هند از کشورمان بوده است. محصولات پتروشیمی، برنج، ماشین آلات، صنایع فلزی، فولاد و آهن، دارو و صنایع

شرکت‌های هندی نظیر OVL، ESSAR و TAT در ایران اعتبار بالایی دارند. همچنین بانک دولتی هند (SBI) در تهران دارای شعبه است. به علاوه ایران و هند در حال نهایی کردن تصمیماتی در زمینه سرمایه گذاری مشترک دو جانبه هستند. قراردادهای لغو مالیات‌های مضاعف (DATAA) از دیگر اقدامات مشترک دو کشور می‌باشند.

تهدیدها

ایران و هند دو کشور بزرگ و قدرت‌های کهن آسیایی بوده و در عین حال دارای روابط گسترده

وابسته، چای و اقلام دیگر، عمده‌ترین کالاهای صادراتی هند به کشورمان هستند. ایران و هند همچنین برنامه‌های مختلفی را در زمینه‌هایی همچون انتقال گاز مایع از طریق خط لوله، سرمایه گذاری در پارس جنوبی و پروژه ترمینال نفتی چابهار در دست بررسی دارند. علاوه بر این، دو کشور سعی دارند سرمایه گذاری‌های مشترکی را مانند تأسیس شرکت حمل و نقل دریایی ایران و هند کلید بزنند. جدا از این سرمایه گذاری‌های مشترک،

همکاری جامعه جهانی، به طور عام و هندوستان، به طور خاص را می‌طلبید. این موضوع، هند را بر سر دو راهی تصمیم‌گیری قرار داد. از طرف دیگر، وجود ارتباط مرزی بین ایران و هند با پاکستان، موقعیت‌های مختلفی را برای دو کشور فراهم آورده است که زمینه‌های مشترک فراوانی را از جنبه‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دنبال کنند. در جریان حل و فصل مشکلات داخلی افغانستان و به دنبال چاره جویی برای راه حلی که بتواند موضوع طالبان را در این کشور حل و فصل نماید، شاهد هستیم که ایران و هندوستان متفقاً در جبهه مخالف طالبان

ایفای نقش می‌کنند؛ طالبانی که تحت حمایت‌های تاکتیکی و مادی شبکه ISI پاکستان قرار دارد.

فعالیت‌های ضد طالبان ایران و هند به همکاری دو کشور در احداث یک شبکه عظیم حمل و نقل منجر شده که شهرهای مهم افغانستان را به بندر چابهار وصل می‌کند. این اقدام مشترک ایران و هندوستان که به نگرانی پاکستان و آینده نگری طالبان

درصد/میلیون دلار

ما و هند (۲۰۱۰-۲۰۰۹)

سال	واردات از هند	صادرات به هند	تراز تجاری	کل تجارت دو جانبه	رشد تجارت دو جانبه
۲۰۰۵-۲۰۰۶	۱,۱۸۸/۳۵	۷۰۲/۴۶	۴۸۵/۸۹	۱,۸۹۰/۸۱	۴۳/۸۰
۲۰۰۶-۲۰۰۷	۱,۴۴۶/۴۸	۷,۱۱۸/۵۵	۶,۳۷۲/۰۷	۹,۲۶۵/۰۳	۳۹۰/۰۰
۲۰۰۷-۲۰۰۸	۱,۹۴۳/۹۲	۱۰,۹۴۳/۶۱	۸,۹۹۹/۶۹	۱۲,۸۸۷/۵۳	۳۹/۰۹
۲۰۰۸-۲۰۰۹	۲,۵۳۴/۰۱	۱۲,۳۷۶/۷۷	۹,۸۴۲/۷۶	۱,۴۹۱/۰۸	۱۵/۷۰
۲۰۰۹-۲۰۱۰	۱,۸۵۳/۱۷	۱۱,۵۴۰/۸۵	۹,۶۸۷/۶۸	۱۳,۳۹۴/۰۲	-۱۰/۱۷

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از سازمان توسعه تجارت

مبنی بر کاهش نفوذ احتمالی در افغانستان